

اگر افاق اعلی از زخرف دنیا خالی است و لکن در خزائن توکل و تفویض از برای وراثت میراث مرغوب لا عدل له گذاشتیم * گنج نگذاشتیم و بر رنج نیفزودیم * ایم الله در ثروت خوف مستور و خطر مکنون * انظروا ثم اذکروا ما أنزلهُ الرَّحْمَنُ فِي الْفِرْقَانِ: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ﴾ ثروت عالم را وفائی نه * آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم * مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهار بیّنات احقاد نار ضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق افنده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و باسایش حقیقی فائز * و از افاق لوح الهی نیر این بیان لائح و مشرق باید کل بان ناظر باشند * ای اهل عالم شما را وصیت مینمایم بآنچه سبب ارتفاع مقامات شماست * بتقوی الله تمسک نمائید و بذیل معروف تشبث کنید * براستی میگویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میالائید * عفا الله عما سلف * از بعد باید کل بما ینبغی تکلم نمایند * از لعن و طعن و ما یتکدّر به الإنسان اجتناب نمایند * مقام انسان بزرگ کست * چندی قبل اینکلمه علیا از مخزن قلم ابهی ظاهر * امروز روزیست بزرگ و مبارک آنچه در انسان مستور بوده امروز ظاهر شده و میشود * مقام انسان بزرگست اگر بحق و راستی تمسک نماید و بر امر ثابت و راسخ باشد * انسان حقیقی بمثابه آسمان لدی الرحمن مشهود شمس و قمر سمع و بصر و انجم او اخلاق منیره مضیئه * مقامش اعلی المقام و آثارش مربی امکان * هر مقبلی الیوم عرف قمیص را

یافت و بقلب طاهر بافق اعلیٰ توجّه نمود او از اهل بها در صحیفه حمراء مذکور *
خذ قدح عنایتی باسمی ثم اشرب منه بذکری العزیز البدیع * ای اهل عالم مذهب
الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف نمائید * نزد
صاحبان بصر و اهل منظر اکبر آنچه سبب حفظ و علّت راحت و آسایش عباد است از
قلم اعلیٰ نازل شده و لکن جهّال ارض چون مربّای نفس و هوسند از حکمتهای بالغه
حکیم حقیقی غافلند و بظنون و اوهام ناطق و عامل * یا اولیاء الله و امنائه ملوک
مظاهر قدرت و مطالع عزّت و ثروت حقّند در باره ایشان دعا کنید * حکومت ارض
بآن نفوس عنایت شد و قلوب را از برای خود مقرر داشت نزاع و جدال را نهی فرمود
نہیا عظیما فی الکتاب * هذا أمر الله فی هذا الظهور الأعظم و عصمه من حکم
المحو و زینہ بطراز الإثبات إنّه هو العلیم الحکیم * مظاهر حکم و مطالع امر که بطراز
عدل و انصاف مزینند بر کل اعانت آن نفوس لازم * طوبی للأمرء و العلماء فی
البهّاء أولئک أمنائی بین عبادی و مشارق أحکامی بین خلقی * علیهم بهائی و
رحمتی و فضلی الذی احاط الوجود * در کتاب اقدس در این مقام نازلشده آنچه که
از آفاق کلماتش انوار بخشش الھی لامع و ساطع و مشرق است * یا أغصانی در
وجود قوّت عظیمة و قدرت کامله مکنون و مستور باو و جهت اتحاد او ناظر باشید نه
باختلافات ظاهره از او * وصیّت الله آنکه باید اغصان و افنان و منتسبین طراً بغصن
اعظم ناظر باشند * أنظروا ما أنزلناه فی کتابی الأقدس * إذا غیض بحر الوصال و
قضی کتاب المبدأ فی المآل توجّهوا إلی من أراده الله الذی انشعب من هذا الأصل

القدیم * مقصود از این آیه مبارکه غصن أعظم بوده * كذلك أظهرنا الأمر فضلا من عندنا و أنا الفضل الکريم قد قدر الله مقام الغصن الأكبر بعد مقامه إنّه هو الأمر الحکيم * قد اصطفينا الأكبر بعد الأعظم أمرا من لدن علیم خبير * محبت أغصان بر کل لازم و لکن ما قدر الله لهم حقًا فی أموال الناس * يا أغصانی و أفنانی و ذوی قرابتی نوصیکم بتقوی الله و بمعروف و بما ینبغی و بما یرتفع به مقاماتکم * براستی میگویم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی * و جنودیکه لایق این سردار است اخلاق و اعمال طیبه طاهره مرضیه بوده و هست * بگوای عباد اسباب نظم را سبب پریشانی ننمائید * و علّت اتّحاد را علّت اختلاف مسازید * امید آنکه اهل بهاء بکلمه مبارکه قل کلّ من عند الله ناظر باشند * و اینکلمه علیا بمتابه آبست از برای اطفاء نار ضغینه و بغضا که در قلوب و صدور مکنون و مخزون است * احزاب مختلفه از این کلمه واحده بنور اتّحاد حقیقی فائز میشوند * إنّه یقول الحقّ و یرهدی السبیل و هو المقتدر العزیز الجمیل احترام و ملاحظه اغصان بر کلّ لازم لأعزاز امر و ارتفاع کلمه * و این حکم از قبل و بعد در کتب الهی مذکور و مسطور * طوبی لمن فاز بما أمر به من لدن آمر قدیم * و همچنین احترام حرم و آل الله و أفنان و منتسبین و نوصیکم بخدمه الأمم و اصلاح العالم * از ملکوت بیان مقصود عالمیان نازلشد آنچه که سبب حیات عالم و نجات امم است * نصایح قلم اعلی را بگوش حقیقی اصغا نمائید * إنّها خیر لکم عمّا علی الأرض یشهد بذلك کتابی العزیز البدیع *